

The basis of human rights of exceptions to the protection of literary and artistic works

Sara Hajizadeh¹✉, Aboutaleb Koosha², Hosein Sadeghi³

Abstract

Field and Aims: From the early national and international intellectual property legislation for artistic and literary works, some exceptions such as personal use, use by libraries, educational institutions, as well as criteria such as the three-step test of the Berne Convention, were legislate on the material rights of the authors of artists and literary works. As the purpose followed by the lawmakers of intellectual property is to protect the intellectual and material rights of the authors, the question arises that what is the reason for the existence of these exceptions that lead to the use of intellectual property without the permission of the creator?

Method: This research has studied the relevant sources and collected information by descriptive-analytical method.

Findings and Conclusion: With regard to reasons for anticipating these exceptions, it is concluded that there are some grounds for these exceptions, including the human rights protection, economic factors, welfare and social justice, technology development issues and in Iran jurisprudential grounds. The present article concludes only by addressing one of these principles, which is the protection of human rights, that the human rights approach leads to maintaining the balance between the rights of the authors and the interests the society has in using these literary and artistic works. Such human rights as the freedom of speech, access to the information and use of practical developments and participation in cultural life are among the basic grounds for imposing these exceptions on the intellectual property rights.

Keywords: Human rights, Exception, Right to freedom of expression, Right to participate in cultural life.

*Citation (APA): Hajizadeh, S., Koosha, A., Sadeghi, H. (2022). The basis of human rights of exceptions to the protection of literary and artistic works. *International Legal Research*, 15(55), 25-42.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_691306.html?lang=en

1. PhD Student in Private Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. (Author). Email: sara.hj66@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Private Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Iran, Tehran, Iran. Email: koosha1336@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Business, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: hosadeghi@ut.ac.ir

مبانی حقوق بشری استثنائات حمایت از آثار ادبی و هنری

سارا حاجی زاده^۱، ابوطالب کوشا^۲، حسین صادقی^۳

چکیده

زمینه و هدف: از همان ابتدای وضع قوانین داخلی و خارجی در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری، استثنائاتی از قبیل استفاده شخصی، استفاده توسط کتابخانه‌ها، موسسات آموزشی و همچنین، معیارهایی مانند آزمون سه گام کنوانسیون برن بر حقوق مادی مؤلفان و هنرمندان وضع گردیده است. از آنجاییکه هدف قانون‌گذار در وضع قوانین مالکیت فکری حمایت از حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان می‌باشد، این پرسش مطرح می‌گردد که علت وجود استثنائات مذکور که منجر به استفاده از آثار فکری بدون کسب اجازه از پدیدآورنده می‌گردند، چیست؟

روش: این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی به مطالعه منابع مرتبط با موضوع و گردآوری اطلاعات پرداخته است.

یافته‌ها و نتایج: با بررسی چرایی پیش‌بینی این استثنائات مشخص می‌گردد که مبانی متعددی همچون حمایت از حق‌های بشری، عوامل اقتصادی، برقراری رفاه و عدالت اجتماعی، عوامل ناشی از توسعه فن‌آوری و در حقوق ایران دلایل فقهی منجر به پیش‌بینی استثنائات گردیده است. مقاله حاضر صرفاً با پرداختن به یکی از این مبانی که حمایت از حق‌های بشری می‌باشد، نتیجه‌گیری می‌نماید رویکرد حقوق بشر حفظ تعادل بین حقوق پدیدآورندگان آثار فکری و منافع جامعه در دسترسی به این آثار است و حق‌های بشری همچون آزادی بیان، آزادی دسترسی به اطلاعات، بهره‌مندی از منافع پیشرفت‌های عملی و مشارکت در حیات فرهنگی از مبانی اصلی وضع استثنائاتی در حمایت از آفرینش‌های فکری بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، استثناء، حق آزادی بیان، حق مشارکت در حیات فرهنگی.

*استانداردهی (APA): کوشا، ابوطالب؛ حاجی زاده، سارا؛ صادقی، حسین. (۱۴۰۱). مبانی حقوق بشری استثنائات حمایت از آثار ادبی و هنری. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۵(۵۵)، ۲۵-۴۲.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_691306.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: sara.hj66@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه: koosha1336@yahoo.com

۳. استادیار گروه آموزشی کسب و کار دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hosadeghi@ut.ac.ir

مقدمه

اگرچه اعطای حقوق مالکیت ادبی و هنری با ایجاد انحصار همراه است، اما از همان ابتدای وضع قوانین مبتنی بر انحصار در حقوق مالکیت فکری، توجه به منافع عمومی جامعه نیز لحاظ گردیده است. چنانچه در قوانین ملی به موازات درج قوانین سخت‌گیرانه انحصاری و تأکید بر نیروی یک‌طرفه مالکان فکری، جامعه از امتیازاتی مانند نسخه‌برداری شخصی یا استفاده‌های کتابخانه‌ای برخوردار بوده است و عموم می‌توانند با رعایت شرایط قانونی از اثر متعلق به دیگری بهره‌برده و بدون اجازه مالک یا ذی‌حق به طور مثال به نسخه‌برداری شخصی اقدام نمایند، این توجه به منافع عمومی تنها به قوانین ملی محدود نیست و در کنوانسیون برن^۱ به عنوان منبع اصلی و مادر حقوق و تکالیف مرتبط با مالکیت ادبی و هنری وضع گردیده و به موجب آن، کشورها قادر هستند با عنایت به شرایط مندرج در کنوانسیون، مقرراتی را به نفع جامعه تدوین نمایند. این مقررات در قالب استثنائات وارد بر حقوق مالکیت ادبی و هنری مطالعه می‌گردد و قلمرویی را ترسیم می‌نماید که در آن، جامعه می‌تواند بدون اخذ رضایت مالک یا ذی‌حق از اثر بهره‌برد. وضع این استثنائات از مبانی متعددی همچون اقتصادی، حقوق بشر، سیاسی و اجتماعی برخوردار هستند و قانونگذاران با ملاحظه اهداف مختلف نسبت به وضع آنها اقدام می‌نمایند. از این رو، بررسی این مبانی از اهمیت برخوردار است تا با شناخت کافی به تحلیل و گزینش آن در قوانین ملی و رویه قضایی پرداخته شود. یکی از مهمترین مبانی و علل پیش‌بینی استثنای وارد بر حقوق مالکیت ادبی و هنری قوانین و قواعد حقوق بشر می‌باشد.

حق بهره‌مندی از حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده، اگرچه این حق چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته و ابعاد مختلف آن بررسی نشده است. افزایش اهمیت حقوق مالکیت فکری در سال‌های اخیر موجب طرح مسئله ارتباط این حقوق با حقوق بشر شده است و طرفداران حمایت قوی از مالکیت فکری در تأیید موضع خود از گفتمان حقوق بشر سود می‌جویند. از سوی دیگر، نهادهای حقوق بشری که حمایت تشدید یافته از حقوق فکری را متأثرکننده بهره‌مندی از حقوق بشر می‌دانند، معتقدند مالکیت فکری را در قالب کنونی آن نمی‌توان در زمره حقوق بشر دانست.

حال این سؤال مطرح می‌گردد که وجه تعارض انحصارات ایجاد شده در نتیجه حمایت‌های حقوق مالکیت ادبی و هنری و قوانین حقوق بشر چیست؟ و حقوق بشر چگونه منجر به وضع استثنائاتی بر حمایت از آثار ادبی و هنری گردیده است؟ نوآوری نوشتار حاضر از این جهت می‌باشد که پژوهش‌هایی که تاکنون انجام گردیده‌اند، در زمینه رابطه انحصارات ناشی از حقوق

1. Bern Convention



مالکیت فکری و ضرورت حمایت از حقوق بشر و تعاملات یا تعارضات این حقوق با یکدیگرند، حال آنکه نوشتار حاضر به بررسی استثنائات وارده بر حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری که از موارد استفاده بدون کسب اجازه از پدیدآورنده است، از دیدگاه حق‌های بشری می‌پردازد و در واقع، در پی تحلیل استثنائات وضع شده به جهت حمایت از حق‌های بشری می‌باشد؛ زیرا از یک سو، نظام حق مؤلف به دارنده آن حق انحصاری در خصوص اثرش را می‌دهد و از سوی دیگر، جامعه به دنبال دسترسی راحت به اطلاعات و استفاده از آن و گردش اطلاعات است. قانون‌گذاران به منظور نیل به ایجاد توازن بین منافع پدیدآورنده و منافع جامعه و دسترسی به اطلاعات و حفظ حقوقی همچون آزادی بیان اقدام به وضع پاره‌ای مقررات در خصوص ایجاد استثنائاتی در حمایت از آثار ادبی و هنری کرده‌اند. ایجاد انحصار مطلق در تقابل با دسترسی آزاد به اطلاعات و در نتیجه، تشویق به گسترش و ترقی دانش و افزایش آگاهی عمومی می‌باشد. حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها یکی از حق‌های بنیادی بشری است که ریشه در حق گسترده‌تر آزادی بیان دارد. حق آزادی بیان نیز حق جهانی شمول و پذیرفته‌شده در اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر است. حق آزادی بیان شامل حق داشتن نظرات، جست‌وجو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه می‌شود. لذا، انحصارات ایجاد شده توسط حقوق مالکیت ادبی و هنری با حقوق بشر در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. در نوشتار حاضر جهت بررسی مبنای حقوق بشر به عنوان یکی از دلایل چرایی در نظر گرفتن استثنائات حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری در قسمت اول، به استثنائات حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری به جهت تعارض آنها با حق‌های بشری پرداخته می‌شود و در بخش دوم، برخی از مصادیق حقوق بشر به عنوان مبنای مهم پیش‌بینی استثنائات حمایت مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۱. تعارض انحصار ناشی از اعطای حقوق مالکیت ادبی و هنری با حقوق بشر

بحث در خصوص تعارض میان حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر در سالهای اخیر در عرصه داخلی و بین‌المللی مطرح گردیده است و لذا، از سابقه و پیشینه زیادی برخوردار نمی‌باشد. در واقع، شکل‌گیری اقتصاد دانش‌محور و تشدید روند جهانی شدن منجر به افزایش اهمیت محصولات دانش‌محور و آفرینش‌های فکری گردیده و کشورهای تولیدکننده این محصولات به سمت ایجاد حمایت‌های قوی‌تر و مؤثر از آثار فکری در حرکتند. در نتیجه، پیامدهای چنین حمایتی نگرانی‌هایی در خصوص برخورداری از حقوق بشر به ویژه برای کشورهای در حال توسعه و فقیر به وجود آمده است و در پی مشاهده تعارض‌هایی در حقوق انحصاری اعطایی توسط نظام مالکیت فکری با حقوق بشر، نهادهای حقوق بشری پیشنهادهایی برای اصلاح و تغییر قوانین حمایت از حقوق فکری در همسو شدن با موازین حقوق بشر می‌دهند.

عده‌ای بر این باورند که نظام مالکیت فکری به عنوان یک قانون، تعادلی میان حقوق بشر همچون حق آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات و حقوق مالکیت ادبی و هنری برقرار کرده است. به بیان دیگر، تعارض بین حق آزادی بیان و حق مالکیت ادبی و هنری را در چارچوب حقوق نظام مالکیت فکری درونی شده و حل شده می‌دانند (هوگن هولتز^۱، ۲۰۰۱: ۲). حال آنکه با توجه به ذات قوانین حمایت از آثار فکری که انحصارگرایانه است، اکثریت تعارضی آشکار بین حق آزادی بیان و حقوق آفرینش‌های فکری متصور هستند که بدین ترتیب و برای حل این تعارض بوده است که استثنائات حمایتی وضع گردیده است.

این حقوق به گونه‌ای هستند که دسترسی به محصولات فکری را با محدودیت کسب اجازه از پدیدآورنده و پرداخت مابه‌ازاء استفاده از اثر مواجه می‌سازند. حق انحصاری تکثیر که از جمله مهمترین حقوق مادی صاحبان آثار فکری است، در تعارض با حق جست‌وجو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی قرار دارد؛ زیرا حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات که به معنای مجوز دسترسی به آثار ادبی و هنری است، با مانع حق انحصاری پدیدآورنده مواجه می‌گردد (هوگن هولتز، ۲۰۰۱: ۳).

حال آنکه حمایت از پدیدآورنده نباید منجر به عدم گردش اطلاعات گردد، زیرا باعث محرومیت آنها در دسترسی به تکنولوژی‌های جدید می‌شود. دسترسی به اطلاعات و علم، اصول زیربنایی در تولید و رشد جامعه شبکه اطلاعات هستند^۲ و باید بستری فراهم گردد که استفاده از نتایج تحقیقات و علوم مختلف در اختیار بشر قرار گیرد. در واقع، نه تنها باید در خصوص حمایت از منافع پدیدآورندگان قانون‌گذاری گردد، بلکه باید این امر برای منافع استفاده‌کنندگان و جامعه به طور کلی نیز مدنظر باشد (دوسولیرت^۳ و بایدنر^۴، ۲۰۰۰: ۶).

لذا، نظر به مراتب مذکور، حقوق مالکیت فکری در مواردی با حق‌های بشری برخورد دارد و امکان حمایت قوی از هر دو این حقوق نمی‌باشد، بلکه باید تعادلی در حمایت برقرار نمود تا ضمن برقراری حمایت از حقوق مادی آفرینش‌های فکری، از حق‌های بشری ذکر شده که اساسی و جهان‌شمول می‌باشند نیز حمایت گردد و این امر تا حد زیادی از طریق پیش‌بینی برخی از استثنائات در قوانین مالکیت ادبی و هنری محقق گردیده است که اجمالاً در این خصوص توضیح داده شد.

1. Hugenholtz

۵. به موجب ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷: «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد. مگر آنکه قانون منع کرده باشد.»

3. Dusolliert

4. Buydens

۱-۲. حقوق بشر مبنای وضع استثنائات حمایت از آثار فکری

حقوق بشری جهانی جهان شمول، ذاتی و غیر قابل سلب هستند که انسان‌ها به خاطر انسان بودنشان به صورت برابر بایستی از آنها بهره‌مند گردند. حقوق بشر نظامی است هنجاری که وظایف متقابل افراد در انجام و یا خودداری از انجام عملی و همچنین، روابط آنها با موقعیت‌ها و یا اشیاء را در چارچوبی هنجاری و بایدمدار تنظیم می‌کند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۱: ۱۱۸). ادبیات حقوق بشر به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم توسعه یافت و اهمیت حقوقی و بین‌المللی آن افزایش یافت و یکی از آثار این توسعه گفت‌وگوهای متعدد درباره رابطه حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر بود (حکمت نیا، ۱۳۹۵: ۴).

با رشد تولید آثار فکری و تأثیر آن در توسعه کشورها رفته‌رفته دولتها به این نتیجه رسیدند که باید مانع استفاده از پیشرفتهای علمی و فنی به گونه‌ای مغایر با اهداف حقوق بشر شوند و رژیم حقوقی آنها نباید مانعی بر سر راه توانایی در ایفای تعهدات اساسی‌شان در رابطه با حق بر آموزش و فرهنگ و مشارکت در زندگی فرهنگی باشد (هلفر^۱، ۲۰۱۱: ۵۷). بدین ترتیب، با توجه به اهمیت موضوع، حمایت از حقوق مالکیت فکری در اسناد حقوق بشر همچون ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد اشاره قرار گرفته است که در ادامه مفصلاً بررسی خواهد گردید.

در زمان تدوین پیش‌نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بین کشورها در خصوص حمایت از بهره‌مندی افراد جامعه از منافع پیشرفت علمی و مشارکت در حیات فرهنگی اختلافی وجود نداشت و بحث اختلافی بین نمایندگان کشورهای مختلف در خصوص شناسایی حق مالکیت فکری به عنوان یک حق بشری بود. در مرحله تدوین اعلامیه حقوق بشر، مباحث اولیه در خصوص حمایت از حق مؤلف به عنوان یک حق بشری توسط نمایندگان کشور فرانسه مطرح گردید که حول دو محور می‌چرخید: یک، حمایت از منافع معنوی مؤلفان برای جلوگیری از تحریف آثار آنها و دیگری، جلوگیری از سوءاستفاده از آثار فکری که مراد از آن دریافت عوض کار توسط مؤلف بود (چاپمن^۲، ۲۰۰۱: ۱۰).

عامل مؤثر در تقویت این رویکرد در آن زمان اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان مصوب اوایل سال ۱۹۴۸ در خصوص حق مؤلف بود که ماده ۱۳ آن بیان می‌داشت: «هر فردی حق دارد در حیات فرهنگی جامعه مشارکت داشته باشد، از هنرها لذت ببرد و در منافع حاصل از پیشرفتهای فکری به‌ویژه اکتشافات علمی شرکت کند. او همچنین حق برخوردارداری از حمایت مادی و معنوی نسبت به اختراعات و آثار ادبی، علمی و هنری که پدیدآورده را دارد.» علاوه بر

1. Helfer
2. Chapman

هیئت فرانسوی نمایندگان کوبا و مکزیک نیز در صدد ایجاد هماهنگی بین اعلامیه حقوق بشر و اعلامیه آمریکا در خصوص حق مؤلف بودند. دیدگاه نماینده مکزیک حمایت از اموال فکری به صورت مشابه و یکسان با اموال مادی بود. کشور چین نیز حمایت از پدیدآورندگان و حق مشارکت در حیات فرهنگی را دارای ارتباط نزدیکی می‌دانست، به گونه‌ای که تنها در صورت حمایت از مؤلف و حفاظت از منافع معنوی او امکان دسترسی مستقیم به آثار ادبی و هنری و علمی توسط افراد جامعه فراهم می‌گردد (چاپمن، ۲۰۰۱: ۱۰).

حال، در مقابل این دیدگاه، کشورهای دیگر مخالف در نظر گرفتن حقوق مالکیت فکری به عنوان حقوق بشر بودند. برای نمونه، کشور استرالیا حق مالکیت فکری را هم‌ردیف حقوق اساسی همچون حق آزادی بیان و حق کار و آزادی مذهب نمی‌دانست و معتقد به عدم توجه ویژه به مؤلفان بود. بلوک سوسیالیست نیز می‌گفتند حق مشارکت در حیات فرهنگی نباید با حمایت حقوق بشری از اموال درهم آمیخته شود. در نهایت، حمایت از مقررات مالکیت فکری در کمیسیون حقوق بشر مردود شمرده شد (وی آستین^۱، ۲۰۱۷: ۱۱).

پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در زمان تصویب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز این بحث در خصوص شناسایی حقوق مالکیت فکری به عنوان حق بشری به همین منوال ادامه داشت. برخی از کشورها به رهبری ایالات متحده آمریکا با توجه به پیچیدگی بررسی حق مؤلف به عنوان حق بشری و عدم امکان گنجاندن آن در میثاق ابراز نگرانی می‌کردند و در مقابل، موافقان از جمله کشور فرانسه بر نظر خود در خصوص حمایت از حقوق مالکیت فکری در میثاق پافشاری می‌کرد.

علاوه بر این، در زمان تهیه پیش‌نویس میثاق، یونسکو پیشنهادهای در خصوص حقوق مرتبط با فرهنگ، پیشرفته‌ای علمی و مالکیت فکری ارائه نمود. نمایندگان کاستاریکا و اروگوئه نیز حق مؤلف و حق بشر را مکمل یکدیگر می‌دانستند، نه در مقابل هم و احترام به حق پدیدآورنده را تضمین اصالت آثار دریافتی توسط جامعه در نظر می‌گرفتند؛ به گونه‌ای که توسعه و رشد فرهنگی در گرو حمایت از حقوق مؤلفین خواهد بود. سرانجام، ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب اکثریت رسید. لذا، با توجه به وجود مخالفت کشورهای متعدد و استدلال آنها در جهت عدم حق بشری بودن حق مؤلف، در نهایت، با تلاش موافقان، حمایت از مقررات مالکیت فکری در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید (وی آستین، ۲۰۱۷: ۱۲).

لذا، با توجه به تاریخچه گفته‌شده، ذکر حمایت از حقوق فکری در ماده ۲۷ اعلامیه و ماده ۱۵ میثاق به معنای شناسایی حقوق مالکیت فکری به عنوان حق بشری نیست؛ زیرا آنچه که از اسناد

1. W.Austin



حقوق بشری بر می آید، حمایت از حق مؤلف به تنهایی مدنظر نبوده است؛ بلکه به عنوان پیش شرط لازم برای آزادی دسترسی به مزایای پیشرفت علمی و مشارکت در حیات فرهنگی جامعه می باشد و بر اساس بندهای ماده ۱۵ میثاق که همگی در یک راستا و به هم مرتبط اند، حقوق مالکیت فکری باید تسهیل کننده این امر باشد.

بدین ترتیب، در زمینه مبنای حقوق بشری حمایت از آثار فکری می توان به رابطه دوسویه حقوق فکری و حقوق بشر توجه نمود. برخی از حقوق در جهت تأمین امکان مطالبه حقوق دیگر بسیار مؤثر هستند. در واقع، می توان گفت به عنوان ابزاری در جهت مطالبه دیگر انواع حقوق می باشند. حقوق ایجاد شده از طریق تصویب قوانین مالکیت فکری از دیدگاه حقوق بشر اساسی اند و تأمین کننده نیازها و منافع اند که شهروندان آنها را از نقطه نظر و زبان حقوق بشر اساسی می دانند. از این جهت، حقوق بشر راهنمای توسعه حقوق مالکیت فکری می باشد و از جنبه دیگر، حقوق مالکیت فکری به حقوق بشر کمک می نماید تا به اهداف خود نائل گردد (دراوس^۱، ۱۹۹۸: ۲۲).

در دیدگاه حقوق بشر نسبت به حمایت از آثار فکری، صرف نظر از داشتن شرایط لازم قانونی برای حمایت، قوانین حمایتی باید در راستای تسهیل و ارتقاء مشارکت افراد در رشد فرهنگی جامعه و دسترسی به آثار علمی باشد که این رویکرد، دولتها را ملزم به در نظر گرفتن حقوق افراد جامعه در برابر تأثیرات منفی حمایت حداکثری از آثار فکری می نماید. اگرچه علی رغم اینکه در اسناد حقوق بشری به حمایت از حقوق آفرینندگان آثار فکری توجه گردیده است، در هیچ یک از کنوانسیونهای حمایت از مالکیت فکری همچون برن، رم، و تریپس اشاره ای به حقوق بشر وجود ندارد و صرفاً به طور مکرر حقوق انحصاری صاحبان آثار فکری را توصیف می کنند (هفلر^۲، ۲۰۰۷: ۹۷۹).

زاویه دیگری که می توان از آن منظر به ارتباط مالکیت فکری و حقوق بنیادین بشر نگریست، این است که مالکیت فکری به نتایج و آثار حاصل از قوه ابتکار و فکر انسان مربوط می شود و موضوع آن ایده های جدید انسانها در ابعاد مختلف زندگی بشری است. با توجه به اینکه فکر و اندیشه اصیل ترین بُعد انسان را تشکیل می دهد، رابطه بین مالکیت فکری و حقوق بنیادین بشر به دلیل ریشه داشتن مقررات آن در حقوق و آزادی های اساسی است. لذا، حقوق مالکیت فکری ارتباط کاملاً قابل توجهی با حقوق بشر در حمایت از آثار ادبی و هنری یافته است (میرمحدصادقی، ۱۳۹۰: ۱).

همانگونه که بیان گردید، در نظام های حقوقی و نیز اسناد بین المللی قواعد و مقررات مربوط به حمایت از حقوق پدید آورندگان محدودیت ها و استثنایهایی دارد که هدف برخی از آنها حمایت

1. Drahos
2. Hefler

از حقوق بشر و برقراری توازن میان منافع دارندگان کپی‌رایت از یکسو و منافع عموم مردم در دسترسی و استفاده از این آثار است و آثار منفی مالکیت انحصاری را با اجرای محدودیت‌های خاصی به جهت حفاظت از منافع عمومی جبران می‌نمایند (هیلی^۱، ۲۰۱۱: ۴۱).

این محدودیتها در شکل‌های گوناگون خود ضمن تأکید بر حمایت از بیان به جای اندیشه، مدت زمان این حق‌ها را محدود می‌کنند و با تعیین شرایط حمایت‌آثاری را از گردونه حمایت بیرون می‌برند. استثنا از حق‌ها نیز استفاده‌های خاص از اثر (همچون استفاده شخصی، آموزشی، پژوهشی یا استفاده منصفانه) را از شمول حمایت خارج می‌کنند و کپی‌رایت به این طریق سال‌ها با مهمترین موارد حقوق بشر که حق آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات است، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته است. هرگاه سخنی از تعارض کپی‌رایت و آزادی بیان به میان می‌آید، این تعارض با همین محدودیت‌ها و استثناها در کپی‌رایت و نیز حدود و ثغور آزادی بیان از جمله ضرورت حمایت از حقوق دیگران حل می‌شود (حیبی مجنده، ۱۳۹۵: ۹). در ادامه، مصادیقی از حق‌های بشری که مبنای در نظر گرفتن استثنائات حمایت از آثار ادبی و هنری در قوانین داخلی و بین‌المللی بوده است، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲. آزادی بیان

حق آزادی بیان از زمره حقوق مدنی و سیاسی و از مهمترین و بنیادی‌ترین حقوق بشر و عاملی مؤثر در جهت وضع استثنائات حمایت از آثار فکری است (کرمی، ۱۴۰۰: ۴). آزادی بیان حقی طبیعی است که همه افراد آدمی به مقتضای انسان بودن خود به طور یکسانی از آن برخوردار و به موجب آن، در بیان اندیشه و فکر خود تا جایی که موجب نقض حقوق دیگران و اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود، مجازند. بر اساس این تعریف، اولاً، آزادی بیان یک حق طبیعی برای همه افراد انسان است و ثانیاً، همه افراد به طور یکسان از آن برخوردارند که می‌توانند اندیشه و فکر خود را ابراز کنند و ثالثاً، محدود به دو چیز است: اول، موجب نقض حقوق دیگران نشود و دوم، موجب نقض اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود (مهرپور، ۱۳۹۰: ۱۶۳). در این معنی هنگامی که گفته می‌شود فردی حق آزادی بیان دارد، بدان معنی نیست که شخص دیگری مکلف به فراهم کردن چیزی برای اوست، بلکه بدین معناست که آن فرد می‌تواند محتوای ذهن خود را آشکار سازد و در برابر طرف مقابل تکلیفی به عدم بیان ذهن خود ندارد (مهرپور، ۱۳۷۰: ۱۱۰).

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در تعریف حق آزادی بیان مقرر می‌دارد هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی می‌باشد. علاوه بر این ماده، حق آزادی بیان در ماده ۱۹ میثاق

1. Hilly



حقوق مدنی سیاسی، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۴ اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر و برخی اسناد دیگر نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

آنچه که از تعاریف فوق برمی آید، این است که آزادی بیان به مثابه حقی برای افراد تجلی می نماید که این اجازه را می دهد مردم از آثار دیگران استفاده و افکار خود را در آن قالبها بیان نمایند و آن را منتشر کرده و حتی به جرح و تعدیل اثر متعلق به دیگری پردازند. در حقیقت، این آزادی دروازه بهره مندی از اثر دیگری را بر مبنای یک حق اساسی به نام آزادی بیان به روی جامعه می گشاید و می تواند به گستره هایی همچون آزادی مطبوعات بینجامد و مطبوعات را در نشر آزادانه اثر دیگران همراهی نماید. ثمره مبنای حقوق بشر این است که اکنون مقررات مبتنی بر حق آزادی بیان در قوانین ملی و بین المللی انعکاس یافته و مسیر دستیابی عمومی را هموار می سازد (حیبا و شاکری، ۱۳۹۴: ۳۸).

۲-۲. حق مشارکت در حیات فرهنگی

از دیگر مصادیق حقوق بشر که می تواند مبنایی برای وجود استثنائات حمایت از آثار ادبی و هنری تلقی گردد، حق مشارکت در حیات فرهنگی است. اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان قانون بنیادین در تکوین اصول و آرمان های بشری از جایگاه درخوری در عرصه بین المللی برخوردار است، با این وجود، در سال های ابتدایی تصویب این سند تصوری در میان عده ای از کشورها شکل گرفت که اعلامیه از خصلت الزام آور بودن برخوردار نیست و دولتها تعهدی حقوقی در قبال اجرای آن ندارند. از همین رو بود که عزم جهانی بر آن شد تا دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را به عنوان اسنادی الزام آور به تصویب برسانند (یوسفی، ۱۳۸۹: ۳۰). در بند اول ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است: «دولتهای طرف میثاق حاضر، حق هر کس را نسبت به امور ذیل به رسمیت می شناسند: الف) مشارکت در حیات فرهنگی، ب) بهره مندی از منافع پیشرفت علمی و کاربردهای آن، ج) برخورداری از حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از هر تولید علمی، ادبی یا هنری که آفریننده آن هستند»

این بند از ماده ۱۵ دربردارنده چند حق متفاوت است که دولتها متعهد به شناسایی آن شده اند. اولین حقی که در فقره الف بند ۱ ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی وجود دارد، مشارکت در حیات فرهنگی است. در توصیه نامه یونسکو به چهره دو گانه این حق پرداخته شده است: الف) منظور از دسترسی به فرهنگ فرصت های عینی و ملموسی است که به طور خاص با ایجاد شرایط اجتماعی و اقتصادی مناسب در اختیار همگان قرار می گیرد تا آزادانه به کسب اطلاعات، آموزش علم، دانش و فهم و برخورداری از ارزش های فرهنگی و اموال فرهنگی پردازند. ب) منظور از مشارکت در حیات فرهنگی فرصت های عینی است که در اختیار همگان قرار می گیرد تا آزادانه

مکنونات خویش را ابراز دارند، ارتباط برقرار سازند و با هدف توسعه کامل شخصیت خود زندگی سازگار و هماهنگ و پیشرفت فرهنگی جامعه، به فعالیت‌های خلاق دست یازند (هلفر، ۲۰۰۷: ۱۰۰۱). با آنکه حق مشارکت در حیات فرهنگی ابعاد و پیامدهای زیادی در حوزه مختلف چون حق تعیین سرنوشت فرهنگی، حق بر زبان، حقوق اقلیت‌های بومی زبانی، جوامع مهاجر، حقوق افراد معلول، حفاظت و توسعه فرهنگ‌ها دارد، این حق دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا امکان دسترسی افراد به تولیدات فکری و نیز شرایط لازم برای تشویق این خلاقیت‌ها را فراهم سازند. الزام و تعهدی که به موجب حق مشارکت در حیات فرهنگی در دو دامنه دسترسی به آثار و فعالیت‌های فرهنگی و شرکت در ایجاد این آثار و ارزش‌ها بر دولتهای عضو میثاق وجود دارد، محتوایی بسیار گسترده و متناسب با محتوای اصل این حق دارد (حبیبی مجنده، ۱۳۸۴: ۷).

حق مشارکت در حیات فرهنگی در واقع متضمن حق بهره‌مندی از خلاقیت‌های فرهنگی و استفاده از آفرینش‌های فکری دیگران می‌باشد. این حق همچنین به معنای آزادی در فعالیت‌های خلاق فرهنگی است. لازمه زندگی انسان وجود جامعه و زندگی اجتماعی است. از آنجا که فرهنگ ملازمه قطعی با زندگی انسان دارد، زندگی اجتماعی او مستلزم برخورداری از فرهنگ است (نوریان و آدینه، ۱۳۹۶: ۷).

بدین ترتیب، آشکار می‌شود که دامنه مفهومی حقوق فرهنگی با موضوعات گسترده‌ای در ارتباط است، از جمله می‌توان به حق بر ابراز و خلق اشکال متنوع مادی و معنوی، هنر، ارتباطات و اطلاعات، زبان، هویت، آموزش و پرورش، شیوه زندگی، شرکت در حیات فرهنگی، هدایت فعالیت‌های فرهنگی، دسترسی به میراث فرهنگی شناخته‌شده و شناخته‌نشده اشاره کرد (صفاری‌نیا، ۱۳۹۵: ۸۷).

همانگونه که بیان گردید، حق مشارکت در حیات فرهنگی مستلزم دسترسی به خلاقیت‌ها و آثار فرهنگی دیگران است و دولتها به منظور تأمین این حق با توجه به اینکه حقوق مالکیت ادبی و هنری در اجرای آن محدودیتهای جدی ایجاد می‌نماید، اقدام به در نظر گرفتن مواردی در قوانین داخلی و بین‌المللی به منظور امکان بهره‌مندی از آثار فکری دیگری بدون کسب اجازه از آنها نمودند.

۲-۳. حق بهره‌مندی از منافع پیشرفت علمی

حق دومی که در بند ۱ ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای همه انسان‌ها در نظر گرفته شده، حق بهره‌مندی از پیشرفت علمی است. آنچه از این فقره از ماده ۱۵ برمی‌آید، این است که هر انسانی حق دارد از مزایا، منافع و تسهیلاتی که پیشرفت‌های علمی و فناوری در حل مشکلات گوناگون زندگی و توانمند ساختن انسان در مبارزه با انواع بیماری‌ها و بالا بردن استانداردهای زندگی در اختیار می‌گذارند، بهره‌مند شود. به عبارت دیگر، بعد انفعالی این حق

استحقاق سود بردن از دستاوردهای علمی است که با زحمت و تلاش دیگران حاصل شده و ممکن است خود فرد در آنها نقشی نداشته باشد، اما خود پیشرفت علمی نیازمند فضای آزاد تحقیق و پژوهش و وجود آزادی علمی است. به همین دلیل، در بند ۳ ماده ۱۵ در ضمن برشمردن محتوای تعهداتی که کشورهای عضو میثاق در تحقق حق مندرج در بند ۱ بر دوش دارند، گفته شده است که دولت‌های عضو میثاق حاضر متعهد می‌شوند آزادی گریزناپذیر برای تحقیقات علمی و فعالیت خلاق را محترم دارند. از این گذشته، پیشرفت در عرصه علم مستلزم توسعه دانش، ترویج و عمومی ساختن علم‌آموزی است. توزیع و پخش دانش عمومی به تنویر افکار انسان‌ها و ارتقای سطح زندگی می‌انجامد. بنابراین، حق بهره‌مندی از پیشرفت علمی و کاربردهای آن محتوایی چندلایه دارد و نمی‌توان آن را دارای بُعدی صرفاً انفعالی دانست، بلکه در تحلیل دقیق‌تر وجهی فعال به معنای در اختیار داشتن فضای مساعد تحقیق و پژوهش، دسترسی به امکانات نوین آموزشی و پژوهشی و در دسترس بودن نتایج تحقیقات علمی و اطلاع از اندیشه‌های نو و مبادله یافته‌های علمی تازه دارد (حیبی مجنده، ۱۳۸۴: ۹-۸).

ماده ۱۵ میثاق حاوی حق‌هایی است که پیوندی ناگسستنی با یکدیگر دارند. حق مشارکت در حیات فرهنگی مذکور در فقره الف با حق انتفاع از منافع پیشرفت علمی و کاربردهای آن و این هردو با قسمت ج که حمایت از مالکیت فکری است، مرتبط‌اند. حق مشارکت در حیات فرهنگی زمینه‌ساز و شرط لازم پیدایش خلاقیت‌ها و آفرینش‌های فکری موضوع مالکیت معنوی است. این حق از یکسو پدیدآورندگان آثار فرهنگی را مطمئن می‌سازد که مشارکت فعال آنها در خلق و عرضه آفرینش‌های فکری با موانعی روبرو نخواهد بود. این تضمین و اطمینان عامل تشویق و ترغیب به تولید محصولات فکری است و بدون این تضمین فقط کسانی از هنرمندان و خالقان آثار فرهنگی به چنین کاری مبادرت می‌ورزند که همسو با منافع صاحبان قدرت و سرمایه حرکت کنند. از سوی دیگر، وجه دیگر این حق مخاطبان آثار ادبی و هنری را در برابر ممانعت دولت و اشخاص دیگر از دسترسی به نتایج این فعالیت‌های خلاق حراست می‌کند و به این ترتیب، تضمین‌کننده جامعه‌ای از استفاده‌کنندگان از آثار مشمول مالکیت فکری است و برای آنها عواقب ناگواری چون پیگرد، آزار و اذیت و مجازات و تنبیه در پی نخواهد داشت. از این حیث، بند ۳ ماده ۱۵ مفهوم واقعی خود را در ارتباط با حق‌های بند ۱ پیدا می‌کند. پژوهش‌های علمی و فعالیت خلاق مستلزم وجود آزادی است. این آزادی در سمت استفاده‌کنندگان و بهره‌بران از پژوهش‌های علمی و فعالیت خلاق با فقره‌های الف و ب تضمین شده است و در سمت آفرینندگان و تولیدکنندگان با بند ۳ مورد حمایت قرار گرفته است. لذا، سه حق موضوع بند ۱ ماده ۱۵ میثاق را باید در کنار هم و دارای پیوند ناگسستنی با یکدیگر نگریست (حیبی مجنده، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۷).

حق بهره‌مندی از منافع پیشرفت علمی مستلزم در دسترس بودن نتایج تحقیقات و اطلاع از اندیشه‌های جدید می‌باشد، لذا اینکه در قوانین حمایت از آثار ادبی و هنری امکان استفاده و استناد به آثار فکری منتشر شده به مقاصد آموزشی و علمی در حدود متعارف مجاز دانسته شده است، خود برخواسته از این حق بشری می‌باشد.

۲-۴. حق دسترسی به اطلاعات

حق دسترسی به اطلاعات حقی قانونی است که در نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده و علاوه بر قوانین داخلی کشورها، در اسناد حقوقی منطقه‌ای و بین‌المللی شناسایی گردیده است.^۱ دسترسی به اطلاعات^۲ و اندیشه‌ها یکی از حق‌های بنیادی بشری است و همان‌طور که بیان گردید، ریشه در حق گسترده‌تر آزادی بیان دارد. آزادی بیان در همه اسناد بین‌المللی عام حقوق بشر حقی مرکب از یک حق هسته‌ای و دو حق پیرامونی است. حق هسته‌ای در آزادی بیان همان حق بیان، انتقال و انتشار اندیشه‌ها و اطلاعات است و حق‌های پیرامونی آن را حق جست‌وجو و دریافت اطلاعات و اندیشه‌ها تشکیل می‌دهند. این حق‌ها پیوندی آشکار با هم دارند: انتشار اطلاعات و اندیشه‌ها (حق هسته‌ای) زمانی معنای واقعی می‌یابد که افراد در جست‌وجوی اطلاعات و اندیشه‌ها آزاد باشند. یافتن و دریافت اطلاعات و اندیشه‌ها برای شکل دادن به نظر و اندیشه و بیان ضروری است. شخصی که مایل است در موضوعی اظهار نظر کند، باید بتواند اطلاعات و اندیشه‌هایی را که در اختیار دیگران است و مایل به انتقال آن هستند، دریافت کند تا بتواند به شکلی آگاهانه دیدگاه و نظر خود را بیان کند. از سوی دیگر، بیان اندیشه و انتقال اطلاعات رابطه‌ای دوسویه است که یکسوی آن انتقال‌دهنده و آن سوی دیگر، دریافت‌کننده می‌باشد. وجود چنین رابطه‌ای به پیدایش و گسترش مفاهیمی چون آزادی اطلاعات، حق دسترسی به اطلاعات یا حق بر اطلاعات کمک کرده است (حبیبی مجنده، ۱۳۹۲: ۸).

قوانین نظام مالکیت ادبی و هنری یکی از موانع دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها به خصوص در کشورهای در حال توسعه، کمتر توسعه یافته و فقیر است. این دست کشورها به دلیل مشکلات عدیده اقتصادی، سیاسی و گاه اجتماعی با موانع بسیاری در راه کسب و دسترسی به اطلاعات در زمینه‌های علمی و پژوهشی و حتی عمومی روبرو هستند. فارغ از محدودیت‌های موجود که خاص کشورهای در حال توسعه و فقیر است، نظام مالکیت ادبی و هنری یک سری محدودیت‌هایی نیز در زمینه دسترسی آزادانه به اطلاعات برای جوامع پیشرفته که تولیدکننده عمده محصولات

۱۷. در اسناد متعددی از جمله در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها حق دسترسی به اطلاعات را به رسمیت شناخته است.

2. access to information



اطلاعاتی و فکری هستند نیز به وجود آورده است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۸۳). و علی‌رغم اینکه تمامی افراد جامعه حق دسترسی به اطلاعات و مسائل پیرامون خود را دارند، کپی‌رایت به عنوان استثنائی بر آن مطرح گردیده است؛ چرا که هر محصول فکری که پدید می‌آید، متعلق به دارنده آن است و حقوق ناشی از آن تنها به او تعلق خواهد داشت. برای آنکه بتوان جامعه را به توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سوق داد، افراد آن باید بتوانند به اطلاعات اعم از مسائل و حوادث و مشکلاتی که در جامعه خود دارند، آگاهی کامل داشته باشند.

از آنجا که پیشرفت علم و دانش نیاز به آزادی در دسترسی به اطلاعات علمی و تحقیق دارد، نتایج این فعالیت‌ها نیز برای استفاده دیگران باید منتشر گردد. تا زمانی که در این زمینه بخش دولتی فعال بود، جریان آزاد اطلاعات وجود داشت و کسی مایل به ثبت آثار خود نبود؛ اما بعد از خصوص‌سازی منافع تجاری مبنای پخش اطلاعات شد و این امر باعث شد که برای ایجاد انواع جدید مالکیت فکری در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری تلاش شود. حمایت از سرمایه‌گذاری یعنی فعالیت‌های علمی در دست سرمایه‌داران قرار گیرد، زیرا سرمایه‌داران فقط در مقابل پول اطلاعات را در اختیار اندیشمندان قرار می‌دهند. این امر به معنای جلوگیری از جریان باز و آزاد اطلاعات است که برای پیشرفت علمی بسیار مهم است (موثق سیجانی، ۱۳۹۲: ۴۰). آزادی گردش اطلاعات به رفع کلیه موانع و محدودیت‌های موجود در برابر دسترسی عمومی به اطلاعات، اشاعه اطلاعات و استفاده از آنها تأکید دارد، اما حقوق مؤلف بر کنترل افشاء، تکثیر و اشاعه اطلاعات و استفاده از اطلاعات نظر دارد.

فلسفه تجویز بهره‌برداری شخصی و خصوصی از آثار ادبی و هنری توجه به اصل حق دسترسی عمومی به اطلاعات و فرهنگ با حفظ حقوق مؤلف است و در صورتی مجاز است که با حق پدیدآورنده منافات نداشته باشد. چنین برداشتی از محدودیت‌ها و استثنائات با عنایت به ماده ۷۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸ میلادی تائید می‌شود که ضمن تأکید بر حق همگان برای دسترسی به اطلاعات و فرهنگ، حق پدیدآورندگان آثار علمی، ادبی و هنری در بهره‌مندی از حقوق مادی و معنوی آفرینش‌های آنان را به رسمیت می‌شناسد.

در سالهای اخیر در برخی از آراء قضایی می‌توان مشاهده نمود که دسترسی آزاد به اطلاعات یکی از مبانی اعطای جواز برای انتشار بخشی از (یا احیاناً کل) اثر بوده است. به عبارت دیگر، مردم حق دارند که به اطلاعات دسترسی داشته باشند، اما این امر نمی‌تواند مجوزی برای تجاوز به حقوق معنوی و سوءاستفاده از حقوق مادی باشد و تنها می‌تواند در جهت اطلاع‌رسانی صورت پذیرد. برای نمونه، در پرونده‌های شبکه دو فرانسه گزارش خبری در مورد نقاشی که در موزه نصب شده بود، پخش کرد. در این گزارش، تمام اثر نقاشی بدون اجازه صاحب حق نمایش داده شده بود؛ پس از این پخش، صاحب حق دعوی نقض حق را علیه شبکه دو فرانسه مطرح کرد. این

شبکه دفاع خود را بر اساس حق دسترسی به اطلاعات و آنکه این گزارش بسیار کوتاه بوده و بخشی از قسمت گزارش‌های خبری بوده و با بهره‌برداری معمول از اثر در تعارض نیست و آن یک روش مقتضی برای ارائه وقایع فرهنگی و در جهت اطلاع‌رسانی تلقی می‌شود، انجام داد (حیبا و شاکری، ۱۳۹۴: ۳۸).

بحث و نتیجه‌گیری

با مذاقه در نوشتار حاضر به این نتیجه می‌رسیم که حق انحصاری که برای قدردانی و تشویق صاحب اثر فکری است، نباید به گونه‌ای باشد که منجر به عدم پیشرفت علمی بشر در ابعاد دیگر گردد. از آنجایی که ایجاد انحصار در حقوق مالکیت فکری مانع حق‌های بشری همچون آزادی بیان، بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و حرکت آزادانه اطلاعات می‌شود، در اسناد بین‌المللی و داخلی همواره این دغدغه وجود داشته است که چگونه بتوان از بطن این انحصار راهی برای آزادی ایجاد کرد و در حقیقت، ناسازگاری میان حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق بشر عاملی بوده است که منجر به پیش‌بینی استثنائاتی در حمایت از آفرینش‌های فکری شده است. حقوق مالکیت فکری در اسناد حقوق بشری مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است و مانند هر قاعده حقوقی برای اینکه بتواند منجر به برقراری عدالت گردد، لازم است در مواردی که منجر به تعارض میان منافع جامعه و منافع انحصاری پدیدآورنده می‌شود، حقوق بشر به عنوان حقوق بنیادین به ایجاد تعادل در حمایت از آفرینش‌های فکری اقدام نماید و حقوق مالکیت فکری که در پی فراهم نمودن زمینه رشد ابتکارات و خلاقیت در جامعه است، مانعی در راه اجرای حقوق بشر که خدشه‌ناپذیرند، تلقی نگردد. با توجه به اینکه منفعت عمومی در گرو حمایت از حقوق استفاده‌کنندگان، گردش و دسترسی به اطلاعات و مشارکت در حیات فرهنگی جامعه می‌باشد، حقوق مؤلف با وضع استنهاها و محدودیتها در جهت حمایت از منافع عمومی و این حق‌های بشری گام برداشته و تاحدودی موازنه‌ای منطقی میان حقوق بشر و حقوق مالکیت ادبی و هنری برقرار گردیده است.

سپاسگزاری

پژوهشگران از همه عزیزانی که در فرآیند انتشار این پژوهش همکاری نمودند، کمال امتنان را دارند.

منابع

- امیرارجمند، اردشیر و حبیبی مجنده، محمد. (۱۳۸۴). جایگاه حقوق مالکیت معنوی در نظام بین‌المللی حقوق بشر. *مجله‌نامه مفید*، ۹(۵۲)، ۲۴-۳.

http://law.mofidu.ac.ir/article_46815.html

-ابطحی، فاطمه، قبولی درافشان، سید محمد مهدی، محسنی، سعید. (۱۳۹۲). حق تعقیب پدیدآورنده اثر هنری (مطالعه تطبیقی در حقوق اتحادیه اروپا، فرانسه و انگلستان). *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۴(۱)، ۲۲-۱.

https://jcl.ut.ac.ir/article_35227.html

-حبیبی، سعید و شاکری، زهرا. (۱۳۹۰). دکترین استیفای حق در حقوق مالکیت فکری. چاپ دوم. سمت.

-حبیبی مجنده، محمد. (۱۳۹۵). حق دسترسی به اطلاعات و کپی‌رایت در فضای مجازی. *فصلنامه حقوق پزشکی*، ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری، ۳۵-۷.

https://ijmedicallaw.ir/browse.php?a_id=640&slc_lang=fa&sid=1&printcase=1&h

-حبیبی مجنده، محمد. (۱۳۹۲). هم‌افزایی کپی‌رایت و آزادی بیان. *دوفصلنامه حقوق تطبیقی*، ۹(۱): ۶۶-۴۷.

<http://ensani.ir/fa/article/386285>

-حبیبی مجنده، محمد. (۱۳۹۴). *حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر تعامل‌ها و تعارض‌ها*. چاپ اول. انتشارات دانشگاه مفید.

-حبیبی، سعید، شاکری، زهرا. (۱۳۹۱). *مبثی در محدودیتها و استثنائات حقوق مالکیت ادبی و هنری. مطالعات حقوق تطبیقی*، ۳(۱)، ۵۴-۳۷.

https://jcl.ut.ac.ir/article_32104.html

-حسینی نیک، سید عباس. (۱۳۹۷). *حقوق نشر*، چاپ اول. مجد.

-حبیبی، سعید و شاکری، زهرا. (۱۳۹۴). *منافع عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری*. چاپ اول. انتشارات دانشگاه تهران.

-حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۹۵). *اصل سرزمینی منبای نظری و آثار آن در نظام حقوق مالکیت فکری. مجله حقوق اسلامی*، ۶(۲۰)، ۳۶-۷.

http://hoquq.iict.ac.ir/article_22572.html

-زرکلام، ستار. (۱۳۸۷). *حقوق مالکیت ادبی و هنری*. چاپ اول. سمت.

-شیخی، مریم. (۱۳۹۴). *اصول حقوق مالکیت فکری*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

-صفاری‌نیا، محیا. (۱۳۹۵). *حقوق فرهنگی در نظام بین‌المللی حقوق بشر*، حرکت کم‌شتاب در بستر پرتلاطم. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۰(۲)، ۱۱۳-۷۷.

<http://ensani.ir/fa/article/361834>

-عالیخانی، سکینه؛ حبیبی، سعید؛ عالی‌پور، حسن؛ الهی‌منش، محمدرضا. (۱۴۰۰). *چالش‌ها و راهکارهای حمایت‌کفیری از آفریده‌های فکری و هنری (مطالعه تطبیقی نظام‌های ایران، فرانسه و امریکا)*. *فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۲(۵۶)، ۲۶۴-۲۴۱.

http://www.jccs.ir/article_142128.html



-قاری سیدفاطمی، سید محمد. (۱۳۸۱). مبانی توجیهی-اخلاقی حقوق بشر معاصر. تحقیقات حقوقی، ۵(۳۵ و ۳۶): ۱۱۱-۱۹۲.

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56555.html

-کرمی، رضا. (۱۴۰۰). محدودیت آزادی بیان در منشور آفریقای حقوق بشر و مردم. فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی بین‌المللی. ۱۴(۵۴): ۲۰۱-۲۲۰.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_686942.html

-مهرپور، حسین. (۱۳۷۰). دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان. نشریه دادنشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (۲۷)، ۵۱-۷۵.

<http://ensani.ir/fa/article/15735>

-مهرپور، حسین. (۱۳۹۰). آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر، گزارش کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران. مجموعه مقالات حقوق بشر در جهان معاصر: دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق‌دانان و فقهای ایرانی.

-موتق سیچانی، مریم. (۱۳۹۲). حوزه عمومی در فضای مجازی و مقایسه آن با فضای غیرمجازی. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه قم].

-میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۰). رابطه بین مالکیت فکری و حقوق بشر. نشریه ماوی.

<http://www.razmilawyer.ir/articles/5095/>

-نوریان، مهدی، آدینه، روح‌الله. (۱۳۹۶). دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق شهروندی در برخورداری فرهنگی. مطالعات میان فرهنگی، ۱۲(۳۱): ۹۱-۶۷.

https://icsq.journals.iau.ir/article_535336.html

-یوسفی، مهدی (۱۳۸۹). حق آزادی بیان و حق مالکیت ادبی و هنری. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران].

-Buss, k. (2015). Copyright and Free Speech: The Human Rights Perspective: *Baltic Journal of Law and Politics*.

https://www.researchgate.net/publication/297608634_Copyright_and_Free_Speech_The_Human_Rights_Perspective

- Chapman, Audrey. (2001). *Approaching Intellectual Property as a Human Right: obligations related to Article 15 (1) (c)*: Copyright Bulletin, vol. 40(3).

<https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000125505>

-Dusolliert, S, Oullet, Y. Buydens, M. (2000). *Copyright and Access to Information in the Digital Environment*: Copyright Bulletin.

<https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000123894>

-Drahos, peter. (1998). *The Universality of intellectuall property rights: origins and development*.

https://www.wipo.int/edocs/mdocs/tk/en/wipo_unhchr_ip_pnl_98/wipo_unhchr_ip_pnl_98_1.pdf

-Fischman Afori, Orit. (2004). Human Rights and Copyright: The Introduction of Natural Law Considerations into American Copyright Law into American Copyright Law: *Fordham Intellectual Property Media and Entertainment Law Journal*, 14(2).

<https://ir.lawnet.fordham.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1420&context=iplj>

-Hugenholtz, P.Bernt. (2001). *Copyright and Freedom of Expression in Europe*. oxford university press.

Hilly, Reto. (2011). Individual, Multiple and Collective Ownership, what impact on competition?: *Institute for intellectual property and competition law*



research paper.

https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1774802

-Helfer, Laurence, W. Austin, Graeme (2011). *Human Rights and Intellectual Property Mapping the Global Interface*: Cambridge University Press.

https://scholarship.law.duke.edu/faculty_scholarship/2322/

-Helfer, Laurence. (2007). *Toward a Human Rights Framework for Intellectual Property*: U.C. Davis Law Review, vol 40.

https://lawreview.law.ucdavis.edu/issues/40/3/intl-rights-approaches-to-ip/DavisVol40No3_Helfer.pdf

W. Austin, Graeme. (2017). Authors' Human Rights and Copyright Policy: *Columbia Journal of Law & The Arts*, 40(4).

https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3018950